



دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی



● کاریکاتور و چهره‌پردازی (۲)

● نوشته: جان ادکینز ریچارد سون
● ترجمه: محمدجعفر صباغی خسروی

● تعدادی از مشاهیر

طرحی که از گری گرانت ارائه شد، شاید بیشتر به یک پرتره شبیه باشد تا به یک کاریکاتور. در مورد این شخصیت به راحتی می‌توان به شباهتهای ظاهری وی با طرح ارائه شده پی برد. خصوصیات چهره او به راحتی قابل تشخیص و بالطبع قابل انتقال است. اما اگر موافق باشید به سراغ شخصیتهای تصویر (۱۴) برویم. اولین طرح از سمت چپ، طرح اغراق آمیزی از گری گرانت است. گلارک گیبل (صورت دوم) همچون گرانت یکی از هنرپیشگان معروف عصر طلایی سینماست که چهره وی نیز می‌تواند الگوی خوبی برای کاریکاتور باشد. شاید بهتر است بگوییم که او خود یک کاریکاتور زنده است.

بینی بچ و تورفته، چشمان لوچ و خواب‌آلود و گوشهای بسیار بزرگ سومین چهره نیز مربوط به یکی از هنرپیشگان معروف دهه هفتاد سینماست که زیاد هم قابل تشخیص نیست. او کسی جز رابرت ردفورده نیست. وی با داشتن صورتی بزرگ چهرهای کوچک، موهای بلوند و بینی زاویدار، بی‌شبهت به ادوارد کندی برادر کوچکتر جان کندی نیست. برای (نگارنده) کشیدن کاریکاتور او مشکل‌تر از ترسیم چهره پل نیومن بود. چهره نیومن از معدود چهرههایی است که دارای ترکیب و فرم منظمی است. از جالب‌توجهترین مشخصات وی می‌توان به

دهان خوش‌حالت و نگاه نافذ او در زیر سایه روشن ابروان پرپشتش اشاره کرد. آخرین چهره هم متعلق به مارلون براندو است. چهره او را به خوبی می‌توان به خاطر سپرد و به روی کاغذ آورد.

وودی آلن (تصویر ۱۵) یکی از نوایغ سینمای کمدی است که با چهرهای بکر، کلیشهای از اشلمیل یهودی است. چهره کشیده دهان کوچک، چشمان نگران، قاب عینک گوشه‌دار و موهای آشفته، همگی خصوصیات است که شخصیت آلن را متجلی می‌کند. طرح سوم که از ریچارد بون است، مشکل چندانی برایم پیش نیاورد. چرا که پرداخت آن، کمی مشکل‌تر از طرح یک تکه نان کلفت بود. اما در مورد هنرپیشه سیاه‌پوست، سیدنی پواتیه باید بگوییم که تمامی طرحهایی را که از او دیدام، بسیار بدیع و عالی بوده است و دلیل آن هم، وجود توازنی زیبا در ساختار ترکیبات چهره اوست. همین دلیل باعث شده که کاریکاتور وی به چهره واقعیش بسیار نزدیک باشد. همکار وی، ریسونند سن‌ژاک خیلی زیبا نیست، درست مانند نیومن، تمامی شخصیتش در دهان، چشمها و حالتش محدود می‌شود. بت‌دیویس از نسخه‌های قدیمی کاریکاتوریستها است. چشمان خواب‌آلوده، دهان باز و خندان و بینی عقابی، از مشخصات بارز این هنرمند تأثیر است. دیگر تصاویر تا حدودی صاحب خود را معرفی می‌کنند. مانند باربارا

استریسند، لورن باکال، الارینز، الیزابت اسکات، همفری بوگارت، ادوارد مارو و جورج سی اسکات.

نکته‌ای دیگر در مورد تصویر (۱۵) باقی مانده است که نباید به راحتی از کنار آن گذشت. توجه داشته باشید که سیدنی پواتیه، در طرح سیاه چرده نیست. در واقع اکثر سیاه‌پوستان سفید نیستند و آن چیزی که در مشخص شدن نژاد آنها دخیل است، خصوصیات و ترکیبات ویژه چهره آنهاست که مختص آن نژاد است. صورت پهن و لبهای بزرگ از خصوصیات است که در بین تمامی قبایل آفریقایی، با اندکی تفاوت می‌شود.

در تصویر (۱۶) طرحی را ارائه دادام که یقیناً چهره واقعی یک آفریقایی نیست. این تصویر، بر یک انسان زنده دلالت ندارد و تنها حاوی خصوصیات اغراق آمیزی از نژاد سیاه است. اما در کنار آن می‌توان به تصویر (۱۷) که اشاره‌ای به یک بازیگر سیاه‌پوست دارد، نیم‌نگاهی داشت. هنگامی که کاریکاتور انسانی را می‌کشید، از چشم، فکر و احساس خود بهره می‌برید، نه از تعصب خود. و این چیزی است که یک هنرمند باید آن را سرلوحه زندگی هنری خود قرار دهد.

سعی کنید برای آشنایی بیشتر با هنر



● هنگامی که کاریکاتور انسانی را می کشید، از چشم، فکر و احساس خود بهره برید، نه از تعصب خود. و این چیزی است که یک هنرمند باید آن را سرلوحه زندگی هنری خود قرار دهد.

● شما بعنوان یک کاریکاتوریست باید این نکته را بدانید که بیننده مسلزم نیست برای خشنودی شما از کارتان، تعریف و تمجید کند و یا منتظر باشید تا او بعنوان یک معما به طرحتان نگاه کند.

کاریکاتور، تصاویر افراد سرشناس را رو بروی خود قرار دهید و آنها را به کاریکاتور تبدیل کنید. پیشنهاد می کنیم پیش از اینکه طرحهایتان را به کسی نشان دهید، خود را با طرحهای موفق کاریکاتوربستهای بزرگ، تمرین دهید. نمونههای بسیاری را می توانید برای خود الگو قرار دهید. از جمله زنها، مردها، شرقیها، سرخپوستان آمریکا، افراد موبلوند، افراد مومشکی، افراد موقرمز و بسیاری سوزهای دیگر و باید این را بدانید که محال است طرحهایتان همسان طرحهای دیگر کاریکاتویستها باشد. بایستی به این نکته توجه داشته باشید که پیشاپیش، اثر هر کاریکاتوریست متعلق به خود اوست و به هیچ عنوان دو کاریکاتوریست را نمی توان یافت که دقیقاً طرحهایی همسان و سوزهایی یکسان را انتخاب کرده باشند.

در تصویر (۱۸) سه طرح متفاوت از چهره ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا را ملاحظه می کنید. چهره نیکسون از آندسته الگوهایی است که به راحتی می توان حالت هجو و کمیک را بر روی آن پیاده کرد. چشمان کوچک تورفته، بینی بزرگ، ته ریش همیشگی اش و ابروهای بلند و کشیده، از ویژه گیهای است که در تمام کاریکاتورهای وی قابل دریافت است.

اما رمز موفقیت شما را، در این است که طرحتان را مطابق با انتظارات دیگران پیاده نکنید البته این گفته تصدیقی بر خوب بودن طرحتان نمی تواند باشد. بعنوان مثال هنگامی که روی کاریکاتور رابرت رد فورد کار می کردم، رضایت کاملی از کارم نداشتم و آنقدر آن را ادامه دادم تا توانستم طرحی مناسب را جهت چاپ در یک کتاب آموزش طراحی ارائه دهم. از این گذشته، نقطه بارز کاریکاتور، انتقال خصوصیات حقیقی دیگران است. برای کسب تجربه می توانید از دوستان و اعضای خانواده و بستگان خود شروع کنید و دقت کنید که آیا توانستاید سیمای واقعی آنها را تصویر کنید یا خیر. اکثر قریب به اتفاق شما هنگامی که در انعکاس کاملی از چهره عزیزان خود شکست می خورید، کاملاً ناامید و مایوس می شوید و حتی ممکن است سوزهای شما با دیدن طرحهایشان از عدم شباهت آن با خود صحبتی به میان آورند و از کارتان انتقاد کنند. حتی بعضی افراد کوتاه فکر در چنین مواقعی خشمگین می شوند و کاریکاتوریستها را افرادی معرفی می کنند که عادت دارند انسانها را جدا از آن چیزی که هستند نشان دهند. شما بعنوان یک کاریکاتوریست باید این نکته را بدانید که بیننده



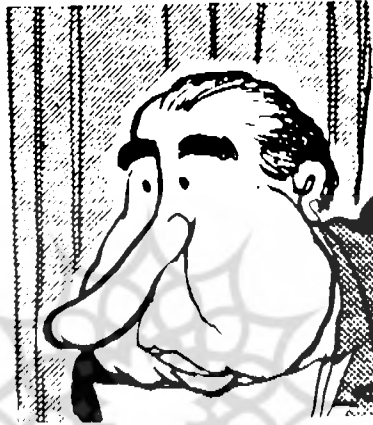
تصویر ۱۶



تصویر ۱۷



تصویر ۱۸



خاطر چنین اظهار عقیده‌ای در خطر اضمحلال قرار دهید.

افراد را به شکل‌های متفاوتی می‌توان دید و نشان داد. هنگامی که چند کاریکاتوریست با روش و طرز کار مشابه، یک الگو را به عنوان مدل خود قرار می‌دهند، غیرممکن است که نتایج کار یکسان باشد چرا که دید هنری هر هنرمند مختص خود او است. زوایای انتخابی او چون حسی است، به هیچ عنوان نمی‌توان مشابهی برای آن یافت.



ادامه دارد

باعث می‌شود تا سوزه به زبان آمده و بگوید: «فکر نمی‌کنم زیاد به هم شبیه باشیم!» آنچه را که شما به عنوان یک طراح و کاریکاتوریست می‌بایست به آن توجه داشته باشید، این است که در واقع هیچ طرحی را نمی‌توان یافت که دقیقاً همانند مدل خود باشد، مخصوصاً هنگامی که نام هنر کاریکاتور در میان باشد.

گواه این مدعی را می‌توان در طرح چهره «کلارک گیبل» یافت. در این تصویر مسلماً طرح کلارک گیبل به طور صددرصد منتقل کننده سیمای حقیقی هنرمند نیست، قطعاً و یقیناً وی فاقد چنین گوشه‌های بزرگی است. حال تصور کنید در مورد طرح‌های تخیلی، اگر قرار بر این بود که برای هر یک از آنها شخصیتی زنده نیز وجود می‌داشت، روابط انسانی تا چه اندازه سست و متزلزل می‌شد. چنانچه شخصیت‌های تصویر (۱۴) در کنار شما زندگی می‌کردند فکر می‌کنید تا چه اندازه دچار وحشت و هراس می‌شدید. اصولاً کاریکاتوریست در طرح‌های خود، با رک گویی بسیار حشر و نشر دارد. به همین خاطر نباید با واکنش منفی دیگران زود میدان را خالی کند. اگر عکس‌العمل دوستان نسبت به طرحتان، مخالف عقیده شخصی شما بود، پسندیده نیست که روابط دوستانه خود را به

ملزم نیست برای خشنودی شما از کارتان، تعریف و تمجید کند و یا منتظر باشید تا او بعنوان یک معما به طرحتان نگاه کند.

اجازه دهید به واقعیتی اشاره کنیم. ممکن است بعد از مدتها ممارست غمگین شوید، عصبی شوید، با اشتباهات مکرری روبرو شوید و نیاز به تمرین بیشتر را احساس کنید و تازه پس از این همه مشقت باز هم درک کارهایتان برای بیننده مشکل باشد. مطمئناً این موضوع برای اکثر خوانندگان پیش آمده است. خوب، ممکن است که طرحتان بسیار عجیب و غریب از آب درآید. بله امکان دارد، اما این مسئله نباید باعث شود که دست از تلاش بردارید. نتیجه این تلاش این است که به خود و دیگران ثابت کرده‌اید که به دور از هرگونه تشویشی، همت به خرج داده‌اید و در این راه گام برداشته‌اید. مسلماً کمترین سودی که از این ممارست عایدتان می‌شود این است که در فراگیری نقاشی و اصول آن تجارب گرانقدری کسب کرده‌اید و نکته‌های بسیاری را آموخته‌اید پس دست از تمرین برندارید.

اکثر قریب به اتفاق ما بسیار راغبیم، تا از سیمای دوستان آشنایمان خسود طرحی هرچند ساده بکشیم، اما کمتر اتفاق می‌افتد تا از نتیجه کار خود خرسند و راضی باشیم. اختلاف طرح و چهره